

■ بهره‌گیری از ظرفیت موجود

تشکیل کلاس و برگزاری درس‌ها به سبک شهری، به لحاظ امکانات و نیروی انسانی، در جبهه مقدور نبود. از این رو تنوع اقشار و صنفی که در جبهه کنار هم گرد می‌آمدند، مورد توجه قرار گرفت. طبعاً بخش قابل توجهی از همین نیروها، معلم، مدیر، کارمند یا از دیگر صنف‌هایی بودند که با موضوع آموزش سنخیت داشتند. بهره‌گیری از این ظرفیت و شناسایی معلمان و دانش‌آموزان و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، یک تدبیر بود. علاوه بر نیروی انسانی، ظرفیت‌های دیگری که در جبهه وجود داشتند نیز مورد توجه قرار گرفتند. از جمله، بهره‌گیری از اوقاتی که نیروها در خطوط مقدم و عملیاتی نبودند. بهره‌گیری از مکان‌هایی که قابلیت برگزاری کلاس را داشتند مانند چادرهای اردوگاه‌ها یا سنگ‌های دسته‌جمعی. بهره‌گیری از آموزش‌های تئوری و کلاسی برای اهداف عملی در جنگ مانند به‌کارگیری آموزش ریاضی برای گراگیری اهداف یا به‌کارگیری درس‌های جغرافی برای شناخت صحیح نقشه‌ها و مناطق جنگی و سایر بهره‌مندی‌ها از امر آموزش.

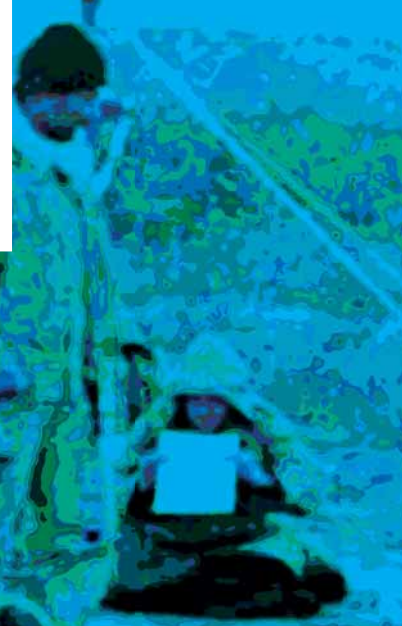
■ ایجاد انگیزه

فرهنگ جاری در جبهه که مبتنی بر ادای تکلیف و مهم‌تر از آن بستری برای تهذیب و خودسازی بود، سبب شده بود روحیه‌ی تعلیم و تعلم و در کنار آن تزکیه، باروری بیشتری به آموزش‌ها ببخشد. شاید یکی از معضلات زندگی کنونی، ایجاد انگیزه‌ی تحصیل در دانش‌آموزان باشد. این معضل نه‌تنها در هدف، بلکه در جهت‌گیری انگیزه‌ها نیز به چشم می‌خورد. چرا درس بخوانیم، سوالی است که خودآگاه یا ناخودآگاه در ذهن دانش‌آموزان جای دارد. این چرایی گاه با اجبار کسب مدرک و گاه با انگیزه‌هایی چون سواد برای زیستن

در دوران دفاع مقدس بخش قابل توجهی از رزمندگان را دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دادند. برای این قشر شرایطی دوگانه به‌وجود آمده بود. از سویی مشتاق حضور در جنگ بودند و جبهه را مدرسه‌ی عشق می‌دانستند و از سوی دیگر نیازمند ادامه‌ی تحصیل و بلکه خواستار آن بودند. این شرایط در سال‌های اولیه‌ی جنگ به‌گونه‌ای بود که باید یکی از این دو را انتخاب می‌کردند، اما پس از مدتی، متولیان امور فرهنگی و آموزشی کشور، شرایطی را پدید آوردند که ادامه‌ی تحصیل و حتی برگزاری کنکور در جبهه‌ها امکان‌پذیر شود. طبعاً پراکندگی نیروها، تنوع مقاطع و سال‌های تحصیلی، شرایط متفاوت جبهه‌ها که گاه نیروها در اردوگاه بودند و گاه در خطوط مقدم و همچنین تنوع جغرافیایی مناطق جنگی سبب شده بود موانعی در این راه باشد. اما اجرای موفق این طرح و ایجاد شرایط برای ادامه‌ی تحصیل و حتی قبولی در کنکور، کارنامه‌ی قابل قبولی را برای این اقدام مدیران و متولیان آموزشی رقم زد. برخی از این تدابیر نه‌تنها یادآور خاطرات دفاع مقدس، بلکه آموزنده و قابل بهره‌گیری در شیوه‌های مدیریتی است. این تدابیر را می‌توان در قالب چند ابتکار و راهکار قابل اعتنا بیان کرد:

ادامه‌ی تحصیل پشت خاک‌ریز

سیدرضا صاحبی



بهرتر و دنیایی آبادتر پاسخ داده می‌شود. امتیاز دوران دفاع مقدس این بود که انگیزه تحصیل قدری از این اهداف مقدماتی - که لازم نیز هست - فراتر می‌رفت و جنبه معنوی می‌یافت، چراکه اصل تعلم مقدس شمرده می‌شد و دانش آموز یا مدیر و معلم حاضر در جبهه، درس خواندن را کمتر از جهاد با دشمن تلقی نمی‌کردند و با همان قداست به آن می‌نگریستند.

■ اعتدال و توازن

گاه ناخواسته یا به دلیل شرایط خاص کشور، افکاری شکل می‌گرفت که می‌توانست زیانبار باشد؛ مثلاً ترک کردن تحصیل به این بهانه که جنگ به خدمت دانش‌آموزان نیاز دارد یا جدایی از دانش و علم به بهانه جهاد. اما تلاش متولیان فرهنگی و برگزاری کلاس‌ها و درس‌ها سبب شد هم ارزش علم و تحصیل پابرجا بماند و هم ادای تکلیف و جهاد در راه خدا. این امر چنان گسترش یافت که کلاس‌های سوادآموزی نیز در جبهه رایج شدند. اساساً یکی از کالاهایی که ساک‌های رزمندگان را سنگین می‌کرد، کتاب‌هایی بود که برای مطالعه به جبهه می‌آوردند. در برخی گردان‌ها چنان مطالعه رایج شده بود که بحث‌های علمی و دانشگاهی نیز جریان می‌یافت. یادی از گردان مالک لشکر، ۲۷ محمد رسول‌الله(ص) در این زمینه خالی از فایده نیست که حتی بحث‌های سنت و مدرنیسم نیز در قلب سنگرها و چادرهای اردوگاه‌هایشان جریان داشت. همین روشن‌بینی سکوی پرتابی شد برای کسانی که پس از جنگ مدارج علمی را در دانشگاه یا حوزه در سطوح بالا طی کردند. زمینه این رشد و تعالی در همان جبهه شکل گرفته بود. در حالی که هر لحظه احتمال شهادت و تمام شدن حیات مادی می‌رفت، آموزش جایگاه خود را یافته بود. جبهه محلی شده بود برای عملی شدن گفته حکیمانۀ ابوریحان بیرونی که بدانم و بمیرم بهتر است یا ندانسته بمیرم؟

■ ابتکار در شیوه‌های امتحانی

طبعاً گرفتن آزمون و امتحان از دانش‌آموزان حاضر در جبهه به شکلی انتظام‌یافته امکان‌پذیر نبود. برای حل این مشکل دو راه به کار گرفته شد. یکی برگزاری آزمون در برخی مدارس خاص که به مدارس رزمندگان شهرت یافته بودند و دیگری مراجعه دانش‌آموز به مدارس و برگزاری آزمون به صورت انفرادی. در شکل اول، دانش‌آموزان که غالباً دبیرستانی بودند، باید هم‌زمان با امتحانات پایان سال، مرخصی می‌گرفتند، به شهر بازمی‌گشتند و در آزمون‌های پایان سال شرکت می‌کردند. در مدارس رزمندگان،

علاوه بر برگزاری آزمون، برای کسانی که قادر بودند در مرخصی‌ها تحصیل کنند یا به دلیل شرایط سنی از هم‌کلاسان خود جدا شده بودند، شرایطی فراهم شده بود که در کلاس درس نیز حاضر شوند. شکل دوم نیز ابتکاری بود که به سبک دانشگاه‌ها انجام گرفت. به این ترتیب که اگر هم‌زمان با امتحانات، بعضی از رزمندگان امکان مرخصی نداشتند یا عملیاتی در جبهه‌ها واقع شده بود، دانش‌آموز پس از انجام عملیات و هنگامی که شرایط عادی می‌شد، به مدارس مذکور مراجعه می‌کرد و به صورت فردی در آزمون شرکت می‌کرد. نکته دیگری که درباره امتحانات می‌توان گفت این است که در برخی مناطق یا جبهه‌ها که شرایط اجازه می‌داد، آزمون در همان محل برگزار می‌شد. به این ترتیب، آزمون کنکور در جبهه نیز هم‌زمان با سایر مراکز برگزار می‌شد.

■ رفع مشکل چندگانگی مدیریت

رزمندگانی که در جبهه حضور داشتند، در مراتب گوناگونی با امر مدیریت روبرو بودند. رهبری امام در سطح کلان، مدیریت کل جنگ را به عهده داشت. در مرتبه بعدی، رؤسا و سران کشوری و در ادامه فرماندهان نظامی مدیریت جنگ را در سلسله مراتب مختلف به عهده داشتند. این مدیران صرفاً در ابعاد نظامی و سیاسی فعال بودند، اما در امر آموزش نیز متولیان فرهنگی مدیریت آموزش در جبهه را به عهده گرفتند. دوگانگی در مدیریت یکی از معضلات چنین تنوعی در امر مدیریت است که نه تنها در جنگ بلکه در شرایط عادی نیز ممکن است بروز کند. یکی از برجستگی‌های دوران دفاع مقدس این است که مدیریت جنگ در سطوح و زمینه‌های مختلف نه تنها موجب تداخل و ناهماهنگی نبود، بلکه با نوعی همپوشانی مثال‌زدنی امور را به پیش می‌برد. آموزش و تحصیل یکی از این امور بود که به‌رغم چندگانگی در مدیریت، نتیجه واحد و مورد قبولی در پی داشت. دلیل این امر همپوشانی و هماهنگی مدیران بود. هر فرمانده نظامی با معلم یا مدیر آموزشی در جبهه کار خود را کامل می‌کردند و یکی مانع دیگری نبود. اخلاق، تکلیف و فرمانبری از دلایل مهم این هماهنگی است که همواره می‌تواند موجب رفع مشکلاتی از این دست شود. امید که ضمن تجدید بیعت با رزمندگان دوران دفاع مقدس، از مواهب رفتار و شیوه زندگی آنان همواره بهره‌مند باشیم.

منابع

۱. کارنامه دولت جمهوری اسلامی ایران. شورای هماهنگی تبلیغات وزارت ارشاد. تهران. ۱۳۶۸.
۲. فرهنگ و مدیریت جهادی. عبدالرضا فرخ‌بی. نیلوفران. تهران. ۱۳۸۹.